



واکاوی مفهوم ثروت عمومی در اصل ۴۵ قانون اساسی از منظر ثروت عمومی ناملموس

حمید رضا حق پناهان *

حامد گرمی **

مجتبی همتی ***

چکیده

ضروریترین عملکرد دولت‌ها اعم از الهیاتی یا سکولار به مانند یک ارگان زنده، ادامه حیات در محدوده تحت حکمرانی است و ثروت عمومی هر کشور، منابع تأمین نیازهای این ارگان زنده را فراهم می‌کند. در جوامع امروزی، اجرای عدالت در حوزه‌های توزیع و تخصیص و رفع تبعیض برای حفظ حیات دولت‌ها، ضرورتی انکارناپذیر است. به هر میزان، این منابع ثروت بیش‌تر باشد و به صورت صحیح، اداره یا مصرف شود، موجب رشد توسعه پایدار حکومت و تضمین بقای حکمرانی خواهد شد. هدف مقاله حاضر، واکاوی مفهوم ثروت عمومی در اصل ۴۵ قانون اساسی به ویژه ثروت عمومی ناملموس است. مطابق با مستندات موضوعی ارائه‌شده در این پژوهش، روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات، تحلیل اسنادی - حقوقی است. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که اولین گام برای اداره و بهره‌برداری از ثروت‌های عمومی، شناسایی تمامی انواع و مصادیق ثروت‌های عمومی است. تا کنون در حقوق عمومی ایران صرفاً به جنبه‌های ملموس ثروت عمومی توجه گشته و به جنبه‌های ناملموس ثروت عمومی به دلیل شناسایی نشدن این نوع ثروت، در حوزه شناسایی و اداره یا مصرف بی‌توجهی شده است. نتیجه مقاله این است که سرمایه‌های انسانی به عنوان ثروت عمومی ناملموس، ارزشمندترین بخش ثروت عمومی یک کشور است که دولت‌ها از اوایل قرن حاضر میلادی به ارزیابی اقتصادی آن در اقتصاد کلان توجه نشان داده‌اند.

کلیدواژه‌ها: ثروت، ثروت عمومی، ثروت عمومی ناملموس، سرمایه انسانی.

*. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

Hamidrezahaghpahan@yahoo.com

Hamed.karami@ut.ac.ir

** استادیار گروه حقوق دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

*** استادیار و عضو هیات علمی، حقوق عمومی و بین الملل، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران.

mhemmati1358@yahoo.com

مقدمه

امروزه هم‌زمان با جهانی شدن، رشد تکنولوژی، گسترش وسایل ارتباطی و مهم‌تر از همه، رشد خلاقیت، تفکر انسانی و تولید ایده‌های جدید، ضرورت بازنگری در قوانین، مقررات، تعاریف، اصطلاحات و حتی مفاهیم از هر نوع آن، خاصه مفاهیم حقوقی مرتبط با مسائل مستحدثه به موضوعی مهم تبدیل شده است. همانا تعاریف گذشته در برابر خلق ایده‌ها و خلاقیت‌های و نوآوری‌های امروزی دیگر نمی‌توانند پاسخ‌گوی نیازهای جامعه بشری باشند. برای مثال، در گذشته و در تعاریف کلاسیک و قدیمی از ثروت به مسائلی همانند محیط زیست، هوا، آب و حتی آسمان (کالای رایگان) توجه نمی‌شد.^۱ امروزه در پرتو رشد نیازهای انسانی و اهمیت یافتن محیط زیست، همه این موارد جزء ثروت‌های عمومی یک کشور هستند که کارشناسان اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و حقوق‌دانان ملی و بین‌المللی به سبب تأثیرات فرامرزی به آن‌ها توجه می‌کنند. در حقوق ایران، دو واژه «انفال» و «ثروت‌های عمومی» کنار همدیگر قرار می‌گیرند، چنان‌که متخصصان حقوق عمومی، برای معنایی از این دو واژه برداشت می‌کنند.^۲ این در حالی است که متعلق انفال، آن‌گونه که در فقه امامیه آمده، مال عرفی در ترمینولوژی حقوق است، ولی متعلق ثروت‌های عمومی بسیار فراگیرتر از اموال عرفی یا انفال است. به دلیل تبیین نشدن تمایز مفاهیم این دو واژه از یکدیگر در حوزه شناسایی و حوزه عمل به مصالح عامه، قوانین ایران با نوعی سردرگمی حتی در عالی‌ترین مرجع تقنینی در ارائه تعریف مناسب مواجه است. شناسایی نشدن این مفاهیم در حقوق عمومی از امکان بهره‌برداری، حفاظت و صیانت از این ثروت‌ها جلوگیری کرده و در نتیجه، مسئولیت‌ناپذیری حکمرانان در پاسخ‌گویی از همین غفلت در تعریف رخ داده است. اموال عمومی، مصداقی از ثروت عمومی است که در اصل ۴۵ قانون اساسی آمده، در حالی که ثروت عمومی اعم از ثروت عمومی ملموس و ثروت عمومی ناملموس است. رویه نظری و عملی شورای نگهبان در اصلاح ماده ۱۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۸۹) بر شناسایی ثروت عمومی ناملموس در حکم انفال انطباق دارد.

متناسب با این وضعیت، هدف مقاله حاضر این است تا با واکاوی مفهومی ثروت‌های عمومی، انواع و مصادیق آن را بررسی و شناسایی کند. سپس توجه اندیشمندان حقوق عمومی را در شناسایی و اداره ثروت‌های عمومی ناملموس به خود جلب کند. به طور کلی،

1-Lauderdale, An Inquiry into the Nature and Origin of Public Wealth and into the Means and Causes of its Increase, 2nd edition, Edinburgh: Archibald Constable & Co., 1819

۲. حقانی، حسین، «انفال یا ثروت‌های عمومی: انواع مالکیت در اسلام و موارد آن‌ها»، فصل‌نامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، تابستان ۱۳۶۹، شماره ۳ و ۴، صص ۱۶-۲۲.

مروری بر آثار پیشینی حاکی از پژوهش‌های انجام‌شده در جنبه‌های ملموس ثروت‌های عمومی است. خیرالله پروین و فراهانی (۱۳۹۹) در مقاله «بازشناسی مفهوم ثروت‌های عمومی در اصل ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» به این نتیجه می‌رسند که بر خلاف تصور رایج، منظور از «ثروت‌های عمومی»، صرفاً «انفال» نیست و اموال موضوع این اصل در سه دسته کلی «انفال»، «مباحات» و «اموال عمومی کاربری‌محور» قرار می‌گیرند. در این پژوهش با اذعان به تفاوت اساسی در حوزه شناسایی انفال و ثروت‌های عمومی از یکدیگر، پیشنهاد روشنی در خصوص وضعیت حکم قانون اساسی در خصوص عمل به مصالح عامه در این دو حوزه مشاهده نمی‌شود.

حامد کرمی و حق‌پناهان (۱۴۰۰) در مقاله «رابطه بین حکمرانی خوب و صیانت از سرمایه‌های اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» به تشریح سرمایه اجتماعی یک کشور به عنوان ثروت عمومی ناملموس می‌پردازند. مدعای این پژوهش آن است که صیانت از سرمایه‌های اجتماعی تنها با حکمرانی مطلوب با تمام عناصر تشکیل‌دهنده این نوع حکمرانی میسر است. این مقاله با نشان دادن رابطه متقابل سرمایه اجتماعی و حکمرانی، بر ناکافی بودن حکم عمل به مصالح عامه در قسمت اخیر اصل ۴۵ در خصوص صیانت از ثروت عمومی ناملموس تأکید دارد. علی‌اکبر بابوکانی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «بازپژوهی تعریف و مفهوم انفال در اندیشه فقیهان امامیه (با تأکید بر انگاره امام خمینی)» ضمن تعریف انفال و مصادیق آن به این نتیجه مهم می‌رسند که مهم‌ترین ایراد در تعریف فقیهان از انفال آن است که صرفاً برخی مصادیق آن را در نظر گرفته‌اند. اهمیت این مسئله زمانی دوچندان می‌شود که در بابیم در عصر حاضر، مصادیق نو و جدیدی در این خصوص مطرح شده است که تعریف قدیمی کارآیی ندارد و نمی‌تواند مصادیق جدید را در بر گیرد.

مالینومبی و سالاسال (۱۹۹۸) در مقاله «مفهوم مالکیت سرزمین: چشم‌انداز اسلامی»، ضمن بررسی مفهوم مالکیت به این نکته توجه می‌کنند که آیا در اسلام، مالکیت انسان بر دارایی خود به رسمیت شناخته شده و این مالکیت تا چه حد معتبر است.

در گرایش حقوق خصوصی نیز به پژوهش‌هایی با موضوع تبیین اموال غیر مادی برمی‌خوریم که عبارتند از: مقاله «ماهیت انتقال مالکیت اموال غیر مادی»، نوشته پژمان محمدی (۱۳۹۱)؛ «توثیق اموال غیر مادی در حقوق ایران»، از علی انصاری (۱۳۹۱) و «بررسی بیع اموال غیر مادی در نظام حقوقی ایران»، اثر محمدحسن گلی شیروودی (۱۳۹۴). این موضوع در گرایش حقوق عمومی بسیار گسترده‌تر از موارد حقوق خصوصی است؛ چون تمامی مصادیق اموال غیر مادی مطرح شده در این مقالات، اراده و اختیار ندارند.

متناسب با پیشینه پژوهشی مطرح شده و موضوع مقاله، این سؤال مطرح است که مفهوم ثروت عمومی در اصل ۴۵ قانون اساسی از منظر ثروت عمومی ناملموس چیست؟ در پاسخ به این سؤال، فرض مقاله آن است که سرمایه انسانی به عنوان ارزشمندترین بخش ثروت عمومی ناملموس دارای عقل و اختیار است و روش اداره یا تصرف این سرمایه مانند آنچه تاکنون در حقوق مطرح شده است، میسر نیست. به علاوه در بررسی منابع حقوق عمومی مشخص می‌شود که مصادیق انفال، اموال مادی و عینی است که با استناد به فقه و قوانین ایران، ثروت عمومی، ذیل یا هم‌ارزش عنوان انفال تعریف می‌شود. این در حالی است که این دو مقوله کاملاً از هم متمایز هستند. آنچه ضرورت و اهمیت این پژوهش را نشان می‌دهد، این است که میثاق ملت‌ها با دولت‌ها در سندی با عنوان قانون اساسی شکل گرفته است و دولت‌ها مکلف به تنظیم قوانین متناسب با این قرارداد اجتماعی هستند. به دلیل تبیین نشدن دقیق مفاهیم مندرج در اصل ۴۵ قانون اساسی ایران، این وظیفه تاکنون در تنظیم قوانین شایسته، کارآمد، شفاف و منطبق با این اصل سامان نیافته است. ضرورت تنظیم چنین قوانینی نیز بر کسی پوشیده نیست. از این رو، در راستای نوآوری مقاله می‌توان بیان داشت که مقاله حاضر به صورت مستقل، ثروت‌های عمومی را بر مبنای اصل ۴۵ قانون اساسی بررسی خواهد کرد و بررسی ثروت عمومی ناملموس جنبه نوآورانه مقاله حاضر است.

گفتار نخست. ثروت

بند نخست. مفهوم و تعریف ثروت

۱. مفهوم لغوی ثروت

ثروت با در نظر گرفتن مجموع ارزش بازار، همه دارایی‌های ملموس و ناملموس شخص یا مؤسسه و کسر همه بدهی‌ها از آن به دست می‌آید. در لغت‌نامه دهخدا در معنی «ثروت» آمده است که از ریشه [ثَرَوْ] [ع ا] و ثراء است و به دارایی، توانگری، کثرت مال، مال، مکنت، نعمت، دولت و هستی تعبیر شده است. با مراجعه به ترمینولوژی حقوق درمی‌یابیم که در لغت تازی به معنی «کثیر» است. به همین مناسبت، وفور مال و دارایی را ثروت می‌نامند.^۱ در هر دو تعبیر، ثروت با دارایی مترادف گرفته شده است. ثروت در اصطلاح حقوق مدنی شامل دو بخش است: یکی، اموال و مطالبات یا دارایی مثبت و دیگر، دیون یا دارایی منفی. همه مطالبات و دیون و عیون (منقول و غیرمنقول) انسان و یا شخص حقوقی دو قسم است:

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۶، ص ۱۴۹۷.

یک - دارایی مثبت که به نفع مالک است؛
دو - دارایی منفی که علیه اوست، مانند بدهی‌ها و تعهدات مالی.
زمانی که معنی واژه «سرمایه» را جست‌وجو می‌کنیم، به این معناها برمی‌خوریم:
یک - اصل طلب نقدی است و در مقابل، منافع آن (رأس المال)؛
دو - مجموع دارایی و ثروت در برابر عایداتی که ثروت می‌تواند مولد آن‌ها باشد.
معنی اول در حقوق مدنی است و معنی ثانی، متداول علم اقتصاد.^۱

۲. تعریف کلاسیک ثروت

آدام اسمیت در کتاب «ثروت ملل» برای اولین بار با بررسی ماهیت کالای اقتصادی می‌نویسد: «پس از آن‌که تقسیم کار به طور کامل صورت پذیرفت، فقر و غنای فرد، وابسته به میزان کاری است که می‌تواند در اختیار او باشد».^۲ بر اساس گفته اسمیت می‌توان نتیجه گرفت که کالا، نمودی از کار است که در اختیار ما قرار دارد. در این تعریف از ثروت، کالا صرفاً اشیا مادی را دربرمی‌گیرد.

مالتوس پس از آدام اسمیت به عینی بودن کالاها تأکید دارد^۳ تا این‌که با مخالفت علمای اقتصادی آلمانی، مالتوس در سال ۱۸۳۶ متوجه شد که مفهوم ثروت، فراتر از کالاهای مادی است. هرمان، یکی از اقتصاددانان فرانسوی به تقسیم‌بندی کالای اقتصادی با کالای رایگان (غیر اقتصادی) اشاره می‌کند. منگر در تعریف دارایی و ثروت می‌نویسد: «مجموع کالایی‌هایی است که در اختیار یک شخص قرار دارد».^۴ بر این اساس، ثروت را می‌توان چنین تعریف کرد: «مجموع کالاهایی که در اختیار یک فرد قرار دارد و مقدار موجود آن‌ها کم‌تر از میزان احتیاجی است که برای آن وجود دارد».^۵

بند دوم. انواع ثروت

۱. دارایی ملموس و دارایی ناملموس

در این قسمت، دو موضوع دارایی ملموس و ناملموس را بررسی می‌کنیم.

۱. همان، ص ۲۱۶۳.

۲. اسمیت، آدام، ثروت ملل، ترجمه: سیروس ابراهیم‌زاده، تهران: پیام، ۱۳۵۷، ص ۲۸.

۳. ساموئلز، وارن جی. و استیون جی. مدما، تاریخ اندیشه اقتصادی از مارکس تا جان آر. کامنز (سده نوزدهم و بیستم)، ترجمه: محمدحسین وقار، تهران: مرکز، ۱۳۹۷، ص ۲۰.

۴. منگر، کارل، اصول علم اقتصاد، ترجمه: فرهاد حق‌پرست، تهران: آماره، ۱۳۹۴، ص ۱۱۱.

۵. همان، ص ۱۱۲.

الف) دارایی ملموس

این دارایی‌ها، عینی، قابل لمس و دارای ارزش اقتصادی هستند، مانند ارز، پول نقد، املاک و مستغلات، وسایل نقلیه و تجهیزات رایانه‌ای. دارایی‌های ملموس، نوع اصلی دارایی است که اشخاص برای تولید محصول و خدمات خود استفاده می‌کنند و ارزش‌گذاری آن‌ها ساده است. دارایی‌های ملموس ابتدا در ترازنامه ثبت می‌شوند، اما با مصرف یا مستهلک شدن، صورت‌های حساب‌رسی به سود و زیان تبدیل می‌شوند. برای مثال، مواد اولیه یک واحد تولیدی، دارایی ملموسی است که در فرآیند تولید و ایجاد ارزش افزوده و تبدیل کالای خام به محصول برای واحد تولیدی، سود و هزینه ایجاد می‌کند. هزینه کالاهای فروخته‌شده نشان‌دهنده هزینه‌های مستقیم تولید یک محصول است. چون موجودی کالا در فرآیند تولید به مصرف می‌رسد، در قیمت تمام‌شده کالای فروخته‌شده ثبت می‌شود. صنایع اتومبیل و فولاد، تجهیزات کارخانه، رایانه‌ها و ساختمان‌ها می‌توانند دارایی‌های ملموس باشند.

ب) دارایی ناملموس

دارایی ناملموس به معنای هر گونه ثروت و دارایی غیر پولی است که امکان دیده شدن، لمس کردن یا سنجش فیزیکی ندارد. به عبارت دیگر، دارایی‌های ناملموس، منابع و دارایی‌های طولانی‌مدت غیر انحصاری یک شخص است که ارزش مبادله‌ای دارد، مانند: حسن شهرت و اعتبار، علامت و برند تجاری، حق چاپ، حق ثبت اختراع، مالکیت معنوی، قراردادهای صدور مجوز، علامت تجاری، طرح و نیز دامنه‌های اینترنتی. از این رو، دارایی‌های ناملموس از نظر فیزیکی وجود ندارند، اما ارزش اقتصادی دارند؛ زیرا نشان‌دهنده درآمد بالقوه هستند، مثل حق انتشار یک آهنگ.

ایتامی بیان می‌کند: «... دارایی‌های ناملموس مانند یک تکنولوژی خاص، اطلاعات مشتریان، نام تجاری، شهرت و اعتبار شرکت‌ها برای قدرت رقابتی شرکت فوق‌العاده ارزشمند هستند. در واقع، دارایی‌های ناملموس در طول زمان، تنها منبع واقعی رقابت میان اشخاص است». شرکت‌هایی که قادرند فعالانه، سهام خود را از دارایی‌های ناملموس احیا کنند، می‌توانند دستاوردهای تغییرات تحقیق و توسعه را بیش‌تر بهبود بخشند. ارزش دارایی‌های ناملموس در ترازنامه شرکت شامل ثبت اختراعات، علائم تجاری و آرم‌ها، ارزش برند و تعداد مشتری‌هاست.^۱ انتظار می‌رود این دارایی‌ها، درآمد و سود نقدی آینده را به همراه داشته باشند. این دارایی‌ها با ارزش دفتری خالص ثبت می‌شوند؛ یعنی ارزش کل دارایی منهای استهلاک انباشته.

1-Pankaj, C. Pate, et al., "Strength of the association between R&D volatility and firm growth: The roles of corporate governance and tangible asset volatility", Journal of Business Research, 2017, Retrieved from: www.doi.org/10.1016/j.jbusres.2017.12.033

یک - دسته‌بندی دارایی‌های ناملموس

الف) قراردادهای اجاره‌ها، توافق توزیع، قرارداد با کارمندان، پیمان‌ها، تمهیدات مالی، قراردادهای تأمین، مجوزها و شعبه‌ها؛

ب) ارتباطات: نیروی کاری آموزش‌دیده و یکپارچه، روابط توزیع و بانک اطلاعات مشتریان؛

ج) سرمایه فکری: حق ثبت اختراع، کپی‌رایت، نشان تجاری، فناوری مالکانه (فرمول‌ها، دستورات عمل‌ها، ویژگی‌ها، برنامه‌های آموزشی، استراتژی‌های بازاریابی، تکنیک‌های هنری، فهرست مشتریان، تحقیقات جمعیت‌شناسانه، نتایج آزمودن محصول، دانش تجارت، تأمین‌گران، زمان فرآوری یا تهیه، داده قیمت‌گذاری و هزینه، اسرار تجارت و فوت و فن).

دو - مشخصه‌های دارایی‌های ناملموس

بر اساس تعریف هیئت بین‌المللی استانداردهای حسابداری^۱، دارایی ناملموس باید خصوصیتی به این شرح داشته باشند:

الف) غیر پولی باشد: برخلاف دارایی‌های ملموسی از قبیل زمین و ساختمان، ارزش دارایی‌های ناملموس از حقوق و منافع همراه آن‌ها ناشی می‌شود. دارایی‌هایی از قبیل سپرده‌های بانکی، حساب‌های دریافتی و سرمایه‌گذاران بلندمدت در اوراق مشارکت ماهیت فیزیکی ندارند، اما به عنوان دارایی ناملموس طبقه‌بندی نمی‌شوند.

ب) ماهیت فیزیکی نداشته باشد.

ج) قابل تشخیص باشد: با وجود ماهیت غیر عینی، دارایی ناملموس باید قابلیت تشخیص داشته باشد؛ یعنی بتوان آن را از سرقفلی واحد تجاری متمایز کرد (از قبیل حق اختراع و حق تألیف).

بنابراین، می‌توان بیان داشت:

۱. مهم‌ترین ویژگی این داراییها، نداشتن مشخصه مادی، عینی و ملموس است.

۲. با توجه به ناممکن بودن ارزیابی عمر مفید این دارایی‌ها، اطمینان استفاده از مزایا و منافع احتمالی حاصل از این داراییها دشوار است؛ چون ارزش این داراییها از یک سو در معرض سطح بالایی از نوسان قرار دارد. از سوی دیگر، برخی از این دارایی‌ها به دلایل خاص، ارزش مبادله‌ای ندارند.^۲

۳. در عین حال که دارایی‌های ناملموس، ارزش پولی مشخصی برای یک کارخانه یا تجهیزات ندارند، می‌توانند ارزش یک شرکت را نشان دهند و برای موفقیت یا شکست طولانی‌مدت آن بسیار مهم باشند.

1-International Accounting Standards Board.

2-Abanmi, Noura, Accounting treatment of intangible assets in joint stock companies, 2021, pp. 2-9, available at: www.independent.academia.edu/nabanmi

باید به این نکته مهم دقت کرد که همواره تقسیم‌بندیهای متفاوتی از دارایی ناملموس ارائه شده است.

۲. ثروت عمومی و ثروت خصوصی

در عرف حقوقی، از منظر اقتصاد کلان و نگاه امنیتی، ثروت خصوصی هم بخشی از ثروت عمومی کشور است (استفنا درباره خروج ارز از کشور).^۱ به استناد اصل ۴۰ قانون اساسی، شخص نمی‌تواند با تشبث به حقوق شاخته‌شده در ماده ۳۰ قانون مدنی، سرمایه و ثروت خود را نابود کند؛ چون عمل وی باعث تفویض منافع و مصالح عمومی می‌شود و حکم محجوریت برای وی صادر می‌گردد. با عنایت به اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مالکیت را می‌توان به این گونه تقسیم‌بندی کرد:

(۱) مالکیت خصوصی (اصول ۴۴، ۴۶ و ۴۷)

(۲) مالکیت عمومی (اصول ۴۴ و ۱۳۹ در اختیار دولت)

(۳) مالکیت تعاونی (اصل ۴۴). این نوع مالکیت بر خلاف دیگر تملکات طریقیست دارد، نه

(موضوعیت)

(۴) مالکیت حکومت اسلامی (اصل ۴۵)

(۵) مالکیت نهادهای حاکمیتی (اصول ۱۳۹ و ۴۹ مالکیت اختصاصی)

(۶) مالکیت ملی (اصل ۸۳)

در ترمینولوژی اقتصادی، ثروت عمومی (اعم از ثروت خصوصی و غیر خصوصی)، تمامی دارایی‌های متعلق به کشور است. ثروت با در نظر گرفتن ارزش کل بازار، همه دارایی‌های ملموس و ناملموس متعلق به آن تعیین می‌شود. سپس همه بدهی‌ها از آن کسر می‌گردد. نهادی که در دنیا، ابتکار عمل را در خصوص ثروت ملل و ارزیابی آن را در دست دارد، بانک جهانی است. این بانک در طول سه دهه با پنج گزارش تلاش کرده است ثروت جهان را ارزیابی کند.

متخصصان این بانک در سال ۱۹۹۸ با انتشار گزارشی با عنوان «تخمین ثروت ملی: روش-شناسی و نتایج»، درصد تخمین ثروت ملی کشورها برآمدند تا تصویری جامع‌تری از ثروت کل بدهند. این گزارش، تنها به سه عنصر از عناصر تشکیل‌دهنده ثروت عمومی (ملی) یعنی منابع طبیعی، منابع انسانی و سرمایه تولیدشده اشاره کرده است. در گزارش دوم بانک جهانی در سال ۲۰۰۶، با عنوان «سرمایه ملل کجاست؟»، به جای تعریف ثروت عمومی، از مؤلفه‌های آن اسم برده شد. این گزارش، ثروت عمومی را به چهار بخش تقسیم کرد: سرمایه‌های تولیدشده،

۱. موسوی خمینی، سید روح‌الله، صحیفه امام (جلد ۱۲)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۶۵.

سرمایه‌های انسانی، منابع طبیعی و خالص دارایی‌های خارجی. در گزارش سوم با نام «ثروت در حال تغییر ملل»، در سال ۲۰۱۱، بانک جهانی درصدد ارزش‌گذاری مؤلفه‌های ثروت بر آمد. این گزارش در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۲۱ به‌روزرسانی شد.

گفتار دوم. ثروت عمومی^۱

ثروت عمومی، معیار ارزش همه دارایی‌هایی است که به اشخاص و جامعه در یک کشور تعلق دارد. بنابراین، ثروت عمومی با در نظر گرفتن مجموع ارزش بازار، همه دارایی‌های ملموس و ناملموس عموم اشخاص، مؤسسات و کسر همه بدهی‌ها از آن به دست می‌آید. به عبارت بهتر می‌توان بیان داشت که ثروت عمومی، «مجموع منابع موجود» است؛ چون کشورها، ثروت خود را با تولید ناخالص داخلی به ازای هر فرد اندازه‌گیری می‌کنند و نشان می‌دهند.^۲ در این راستا می‌توان به گزارش بانک جهانی استناد کرد که برای ارزیابی ثروت کل، آن‌ها را به چهار بخش تقسیم می‌کند: دارایی تولیدشده، منابع طبیعی، سرمایه انسانی و خالص دارایی‌های خارجی.

این در حالی است که خود مفهوم خالص دارایی‌های خارجی یک کشور نیز از سه دسته دیگر منشعب شده و به دلیل خروج از قلمرو سیاسی، جایگاهی جداگانه پیدا کرده است. آدام اسمیت با نوشتن کتاب «ثروت ملل» و تبیین کالای مبادله‌ای، نظریه‌پرداز اصلی نظام سرمایه‌داری شناخته می‌شود. اقتصاددان معاصر وی، لادریدیل با نقد این کتاب به اهمیت کالای رایگان (آب و هوا) به این نکته اشاره دارد که علت افزایش ثروت سرمایه‌داران، علاوه بر تولید، تبدیل کالای رایگان به کالای مبادله‌ای است که منظور از آن در این چرخه، تبدیل ثروت عمومی به ثروت شخصی است. به اعتقاد لادریدیل، اگر چه عقل سلیم در قبال پیشنهاد افزایش ثروت از طریق ایجاد احتکار هر گونه کالای ضروری یا مفید برای انسان مخالفت می‌کند، اما داشتن مقیاس ثروتی که نشان ندهد کالای بیش‌تر یا کم‌تری داریم یا به مرور زمان، خدماتی برایمان فراهم می‌شود یا نه، نامطلوب است.

ریکاردو، سی جی سی و جان استوارت میل بعدها ثروت عمومی لادریدیل را در برابر نظریه ثروت خصوصی بررسی کردند. لادریدیل از آب به عنوان نمونه‌ای از کالایی یاد می‌کند که کم‌یاب بودن آن باعث افزایش ثروت خصوصی به هزینه ثروت عمومی می‌شود. در ادامه همین مبحث، ریکاردو اشاره می‌کند که آب در صورت انحصار یا کم‌یابی دارای ارزش مبادله‌ای می‌شود. انحصارگر آب ثروتمندتر می‌شود و بقیه نیز به همین میزان، ثروت از

1-Public Wealth.

2-Bartsch, E., Boivin, J., Fischer, S. and Hildebrand, P., Dealing with the next downturn: From unconventional monetary policy to unprecedented policy coordination, Macro and Market Perspectives, SUERF Policy Note, 2019, p. 33

دست می‌دهند. اگر آب به واسطه کمیابی دارای ارزش مبادله شود، در حقیقت، ثروت عمومی متحمل زیان می‌شود. «فرضاً کشاورز به جهت کمبود آب، ذرت کم‌تری خواهد کاشت. در این صورت، افراد دیگر هم مجبور می‌شوند تا از یکی از ضرورت‌ترین نیازهای راحتیشان چشم‌پوشند. در این حالت، توزیع متفاوتی به ضرر ثروت عمومی اتفاق می‌افتد»^۱.
جان استوارت میل به صورت مستقیم به لادردیل اشاره ندارد، اما بعدها، تحلیلی مشابه این نظریه ابراز می‌دارد: «اجسامی که به ازای آن‌ها هیچ چیزی را نتوان حاصل کرد، چه مفید و چه ضروری، آن‌طور که این واژه در اقتصاد سیاسی استفاده می‌شود، ثروت تلقی نمی‌شوند. به عنوان مثال، هوا که یکی از ضرورت‌ترینهاست، در بازار، قیمتی ندارد؛ زیرا میتوان آن را رایگان به دست آورد. هوا، ثروت نیست، اما انسان با دستیابی رایگان به آن ثروتمند می‌شود؛ زیرا زمان و کاری را که می‌تواند برای تأمین ضروری‌ترین نیازهایش صرف کند، به اهداف دیگری اختصاص می‌دهد. در چنین حالتی، مالکیت هوا، حتی اگر صاحبش هم نخواهد، برای مالکش، ثروت تلقی می‌شود. اشکال این مسئله آن است که در نظر نمی‌گیریم که دارنده هوا ممکن است به هزینه بقیه جامعه عمل کند و افراد دیگر به واسطه آن چه مجبور شدند برای دستیابی به آن پول پردازند و حقوقی نگیرند، فقیرتر می‌شوند»^۲.
برای نمونه، در حوزه زیست‌بوم ایران با نگاهی به روند تخریب دریاچه ارومیه می‌بینیم که از یک سو، مدیریت اشتباه در تأمین حق‌آبه مورد نیاز دریاچه و از سوی دیگر، برداشت بی‌رویه با ادعای توسعه، دستاوردی جز نابودی به همراه نداشته است. تبدیل ثروت عمومی اعم از آبی و محیط زیستی به ثروت خصوصی ممکن است در ابتدا برای کارگزاران و مدیران منطقه، فرصتی برای خودنمایی ایجاد کند، اما آثار درازمدت این تخریب، اگر نگوئیم قابل جبران نیست، حتماً دهه‌ها برای رسیدن به وضعیت قبلی زمان لازم دارد.

بند نخست. ثروت عمومی ملموس^۳

الف) سرمایه تولیدشده^۴ و زمین‌های شهری: شامل ماشین‌آلات، ساختمان‌ها، ابزارآلات و تجهیزات و زمین‌های شهری مسکونی و غیر مسکونی. سرمایه فیزیکی تنها زمین یا مواد اولیه‌ای نیست که از آن استفاده شود، بلکه کالای تولیدی و خدمات را نیز شامل می‌شود. این سرمایه از کالاهای ملموس و دست‌ساخت بشر تشکیل شده است که به روند ایجاد یک

1-Lauderdale, op.cit.

2-Mill, John Stuart, Principles of Political Economy with Some of their Applications to Social Philosophy, Edited by: W. J. Ashley, London: Longmans, Green and Co., 1936, pp. 6-7

3-Tangible Public Wealth.

4-produced capital .

محصول یا خدمات کمک می‌کند. ماشین‌آلات، ساختمان‌ها، لوازم اداری یا انبارها، وسایل نقلیه و رایانه‌هایی که یک شرکت دارد، بخشی از سرمایه فیزیکی آن محسوب می‌شود. در ماده ۷۷ از قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۱۳۸۶) که با هدف کامل کردن تعاریف ماده یکم از قانون برنامه و بودجه ۱۳۵۱ تنظیم شده، دارایی‌های تولیدشده عبارت است از دارایی‌هایی که در فرآیند تولید حاصل گردیده است و به سه گروه عمده دارایی‌های ثابت، موجودی انبار و اقلام گران‌بها تقسیم می‌شود.

دارایی ثابت، آن دارایی است که در مدت بیش از یک سال به طور مکرر و مستمر در فرآیند تولید به کار رود. موجودی انبار، کالاها و خدماتی است که تولیدکنندگان به منظور فروش و استفاده در تولید یا برای اهداف دیگر در آینده نگه‌داری می‌کنند. اقلام گران‌بها نیز اقلامی است با ارزش قابل ملاحظه که نه به منظور تولید و مصرف، بلکه به دلیل ارزشی که دارند، نگه‌داری می‌شوند (تابلو، کتاب خطی و سنگ و فلز گران‌بها).

ب) سرمایه طبیعی:^۱ شامل انرژی (نفت، گاز و زغال سنگ) و مواد معدنی (در ۱۰ دسته مختلف)، زمین‌های کشاورزی و مراتع، جنگل‌ها و مناطق حفاظت‌شده است. سرمایه طبیعی از طریق محاسبه مجموع ارزش رانت تولیدشده و استهلاک دارایی در طول عمر آن دارایی ارزیابی می‌شود. بنابر گزارش بانک جهانی، سرمایه طبیعی، بزرگ‌ترین بخش ثروت در کشورهای کم‌درآمد است که ۴۷ درصد از ثروت را در این کشورها تشکیل می‌دهد. در مقابل، در کشورهای با درآمد بالا،^۲ سهم سرمایه انسانی، ۷۰ درصد از ثروت کل، سرمایه تولیدی، ۲۸ درصد و سرمایه طبیعی تنها ۳ درصد است. سهم سرمایه طبیعی در کشورهای با درآمد بالا (OECD) تنها ۳ درصد است، اما ارزش سرانه آن، سه برابر بیش‌تر از کشورهای کم‌درآمد است. در واقع، مؤلفه اصلی پیشرفت، استفاده بهینه از سرمایه طبیعی است که با مدیریت در سرمایه منابع طبیعی تجدیدپذیر و ورود دارایی‌های دیگر برای افزایش بهره‌وری همراه با نهادهای قوی و سیاست‌های مناسب تحقق می‌یابد.

در ماده ۷۷ از قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۱۳۸۶)، دارایی‌های تولیدشده، دارایی‌هایی است که خودشان تولید نشده‌اند (مانند زمین و ذخایر معدنی). هم‌چنین سرمایه طبیعی را می‌توان به دو بخش اصلی منابع تجدیدناپذیر (انرژی حاصل از سوخت فسیلی و مواد معدنی) و منابع تجدیدپذیر (انرژی حاصل از نیروی خورشید، زمین‌های کشاورزی، جنگل‌ها و مناطق حفاظت‌شده) تقسیم کرد.^۳ با نگاهی به کنوانسیون تغییرات

1-Organisation for Economic Co-operation and Development.

2-Glenn-Marie Lange, Quentin Wodon and Kevin Carey, The Changing Wealth of Nations, Washington: World Bank, 2018

۳. موسی‌زاده، ایمان و همکاران، «ثروت ملل کجاست؟»، هفته‌نامه تجارت فردا، ۱۳۹۶، شماره ۲۵۸.

اقلیمی می‌توان دریافت که تلاش تمامی کشورهای عضو، تغییر رویکرد استفاده از منابع تجدیدپذیر به جای منابع تجدیدناپذیر است.

در اصل ۴۵ قانون اساسی، انفال در کنار ثروت عمومی قرار دارد. بررسی منابع معتبر فقهی، از اختلاف نظر جدی میان فقیهان در مبحث انفال حکایت دارد. دقیقاً مشخص نیست که تمثیل‌های به کار رفته در اصل ۴۵ متوجه انفال است یا ثروت‌های عمومی یا این که هر دو آن‌ها را شامل می‌شود. برای مثال، در تشییّت آرا در عالی‌ترین مرجع تقنینی کشور، به نظرهای استدلالی فقهای شورای نگهبان در اصلاح قانون نفت در ۱۳۹۰/۲/۷ اشاره می‌شود که در دیدگاهی مغایر، عده‌ای از فقهای شورای نگهبان، دایره شمول انفال را متمایز با دامنه ثروت‌های عمومی قلمداد می‌کنند. در دیدگاه موافق، دیگر فقهای این شورا، انفال را بخشی از ثروت عمومی می‌شمارند.

به همین سبب، بیش‌تر صاحب‌نظران حقوق عمومی، اشتراک معنایی بین واژگان انفال و ثروت‌های عمومی را در نظر می‌گیرند. در این میان، مشخصه مشترک تمام مصادیق تمثیلی مورد اشاره در اصل ۴۵ قانون اساسی، ملموس بودن آن‌هاست. نظر به وجود منابع فقهی و حقوقی معتبر در بحث انفال و مباحات و مشترکات عامه، این مقاله تنها به ضرورت، اجمالی از این مباحث را در بررسی ثروت عمومی ملموس ارائه می‌کند.

۱. انفال

انفال در فقه امامیه، اموالی است که به خدا و رسول و پس از او به ائمه به جهت جایگاه و موقعیت حقوقی که دارند، تعلق دارد. فقها با اختلاف نظر در استفاده از انفال در زمان غیبت امام عصر (عج) یا استفاده از انفال را برای شیعیان مباح می‌دانند یا جواز اباحه در زمان غیبت را تنها مشروط به سلطنت حاکم جائر می‌دانند و در زمان تسلط حکومت اسلامی، تملک، تصرف یا اداره انفال را بر عهده ولی فقیه اعلام می‌کنند. عده‌ای از فقهای شیعه، مصادیق انفال را حصری می‌دانند و عده دیگری برای شناسایی انفال از مباحات و مشترکات عامه، حکم صادر می‌کنند. امام خمینی (ره) از آن دسته از فقهایی بود که برای تشخیص انفال از مشترکات عامه و مباحات قائل به حکم بود و می‌فرمود: «ملاک واحد، نداشتن مالک است»^۱.

۲. مشترکات عامه و مباحات

دو واژه «مباحات» و «مشترکات عامه» در کنار «انفال» و «فیء» آمده است که احکام انفال بر آن‌ها بار نمی‌شود.

۱. موسوی خمینی، سید روح‌الله، البیع (جلد ۳)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸، ص

الف) مباحات

«مباحات»، جمع «مباح» و در اصطلاح به معنای حلال است و شارع در احکام پنج‌گانه، برای این وضعیت، مکلف را در فعل و ترک، مختار شناخته است، اما در مسئله اقتصادی به اموالی اطلاق می‌شود که بهره‌گیری از آن برای عموم، آزاد و مساوی است و در ملک شخص معین داخل نشده باشد.^۱ در بند ۳ از ماده ۱ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در تعریف «مباحات اصلی» آمده است: «اموالی است که مالک و سابقه احیا و تحجیر و حیازت نسبت به آن‌ها معلوم نباشد» در ماده ۲۷ قانون مدنی به اموالی اشاره شده است که «افراد مردم می‌توانند آن‌ها را مطابق مقررات مندرجه در این قانون و قوانین مخصوصه مربوطه به هر یک از اقسام مختلفه، آن‌ها را تملک و یا از آن‌ها استفاده کنند».

ب) مشترکات عامه

مشترکات، اموالی است که عموم مردم در آن، حق بهره‌برداری و استفاده دارند. در منابع اسلامی، قلمرو خاصی برای آن معین شده است، از قبیل: راه‌ها، اماکن عمومی، پل‌ها، سدها، نیروگاه‌ها، شبکه‌های آبرسانی، مساجد، پارک‌ها و همه چیزهایی که از درآمدهای انفال و منابع عمومی ساخته شده و پدید آمده است. واژه «مشترکات» در سه مورد به کار رفته است: آب‌ها، معادن و منافع یا ثروت‌های ملی که به آن اشاره شد.^۲

قانون‌گذار در ماده ۲۶ قانون مدنی با به کار بردن مصادیقی کوشیده است مشترکات عامه را تعریف کند. مهم‌ترین خصوصیت مشترکات عامه، عدم امکان تملک است و دولت به نمایندگی از ملت به عنوان مصالح عمومی یا منافع ملی، متصرف این اموال است. فقهای شورای نگهبان در بند یک نظریه مورخ ۱۳۶۱/۸/۸ در خصوص مصوبه مجلس شورای اسلامی، موضوع قانون توزیع عادلانه آب، به صراحت اعلام می‌کنند: «این‌که آب‌ها را از انفال ذکر نمودند، شرعاً صحیح نیست و پیشنهاد می‌شود (نوشته شود از مشترکات است و در اختیار دولت است)، اما ماده ۱ قانون توزیع عادلانه آب، در این قسمت این گونه تصویب شد: «... از مشترکات بوده و در اختیار حکومت اسلامی است و طبق مصالح عامه از آن‌ها بهره‌برداری می‌شود. مسئولیت حفظ و اجازه و نظارت بر بهره‌برداری از آن‌ها به دولت محول می‌شود». خاطر نشان می‌سازد تفویض اختیار مصرف انفال به استناد قسمت اخیر اصل ۱۱۰ و اصول حاکم بر حقوق عمومی و موازین شرعی امکان‌پذیر نیست. در تأیید این مدعا، به بند ۲-۱-۲ دیدگاه‌های مغایر نظرات استدلالی فقهای شورای نگهبان مورخ ۱۳۹۰/۲/۷، موضوع اصلاح

۱. رجبی، حسین، قلمرو انفال از دیدگاه امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی،

۱۳۷۸، صص ۵۹-۱۲۵.

۲. همان.

قانون نفت اشاره می‌شود که صراحتاً عنوان شده است: «چنانچه منابع نفتی را از انفال بدانیم، نمی‌توان بدون اذن ولی فقیه به نیابت از امام (ع) و صرفاً به موجب قانون، اختیار آن را به وزارت نفت واگذار کرد». به همین جهت، این ماده مغایر با موازین شرع است.»

۳. جغرافیای سیاسی شناسایی و عمل به مصالح عامه در انفال

در جغرافیای سیاسی شناسایی انفال با عنایت به آیات متعدد در قرآن و جامع روایات معتبر و اتفاق فقهای امامیه، تمامی کره خاکی و حتی کرات آسمانی، متعلق به خداوند و جانشینانش است. البته به جهت اعتلای کلمه الله، جانشینان خداوند در روی زمین بدون در نظر گرفتن رنگ، نژاد، زبان و تابعیت باید انفال را برای مصالح عامه بیعت‌کنندگان مصرف کنند. مقدمه و اصول ۱۱، ۴۵، ۱۵۲ و ۱۵۴ قانون اساسی متضمن چنین برداشتی از جغرافیای سیاسی شناسایی و عمل به مصالح عامه در انفال است. به نظر می‌رسد رویه عملی حکومت اسلامی در روابط ولی فقیه و بیعت‌کنندگان، در صحنه بین‌المللی هم بر همین ساختار بنا شده است.^۱ در انتهای اصل ۴۵ قانون اساسی، عبارت «تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند» آمده است، اما مستند به مقدمه اصل است که با انفال آغاز می‌گردد. نص صریح آیه یک سوره انفال که این اموال را متعلق به خدا و رسول می‌داند و جایگاهی که اصل ۵۷ قانون اساسی برای ولایت مطلقه فقیه در نظر گرفته است، به طوری که وی دارای تمام اختیاراتی است که رسول الله (ص) در زمان حیات خود داشت، مقید کردن ولی فقیه به عمل به مصالح عامه برابر قانون، چنانکه در نظرهای استدلالی فقهای شورای نگهبان نیز آمده، خلاف شرع است. ولی فقیه در عمل به مصالح عامه مبسوط الید است و باید بنا به تشخیص خودش عمل کند.

بند دوم. ثروت عمومی ناملموس^۲

برای تبیین ثروت عمومی ناملموس در گفتار دوم از مبحث اول با وام گرفتن از حقوق خصوصی، تلاش شد وجود و مشخصات اموال ناملموس تبیین و تمایز این اموال با اموال عینی مطرح شود. در ثروت‌های عمومی ناملموس، تمام مصادیق اموال ناملموس حقوق خصوصی قابل تصور است، اما بعضی از ثروت‌های عمومی ناملموس وجود دارد که مابه ازای آن در حقوق خصوصی قابل تصور نیست. برای مثال، میراث ناملموس فرهنگی که در عصر حاضر، تمامی ملل متمدن به وجود آن صحنه می‌گذارند، به شخص یا حتی دولت‌های

۱. مصباح یزدی، محمدتقی، «اختیارات ولی فقیه در خارج از مرزها»، فصل‌نامه حکومت اسلامی، ۱۳۷۵، شماره ۱، صص ۸۱-۸۶.

مستقر تعلق ندارد، بلکه فرد فرد نسل حاضر و غایب از یک ملیت در مالکیت اعتباری آن سهیم هستند، مثل ردیف‌های آوازی در ایران. در بعضی از موارد، این میراث، فراتر از مرزهای جغرافیایی است و به چندین ملت تعلق دارد، مثل جشن‌های نوروز که ملت‌های متعدد، خود را در آن سهیم می‌دانند و در بعضی از موارد، این میراث متعلق به جامع بشری است، مانند دیوان مولوی بلخی یا روش حل مسئله که خوارزمی، مبدع آن است. تا کنون آنچه در خصوص انفال و ثروت‌های عمومی مطرح شده، ویژگی عینی و ملموس داشت، اما گفتار پیش رو در تلاش است به جنبه‌های ناملموس ثروت‌های عمومی بپردازد، اعم از این که در حکم انفال باشد یا نباشد.

۱. ثروت عمومی ناملموس در حکم انفال

بهترین راه تبیین ثروت عمومی ناملموس در حکم انفال، ارجاع به نظریه استدلالی فقهای شورای نگهبان در پرونده اصلاح ماده ۱۲ از قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان در سال ۱۳۸۹ است. امروزه در دنیا، کسی نیست که به ناملموس بودن حق تألیف اذعان نداشته باشد. البته در صورتی که مؤلف، مصنف یا هنرمند، ورثه نداشته باشد، این حق به عموم ملت ایران تعلق دارد. با تأکید مجدد بر دایره اختلاف نظری میان فقهای شورای نگهبان در زمان طرح اصلاح ماده یادشده در شناسایی انفال از ثروت‌های عمومی، در میان فقهای موافق با اصلاح ماده، عنوان می‌شود: «مقید کردن ولی فقیه به استفاده عمومی از حق معنوی مزبور اشکالی ندارد؛ زیرا این موارد نیز مثل انفال است که از سوی شارع برای استفاده شخص خاصی تعیین نشده است و باید به استفاده عمومی برسد». فقهای مخالف با اصلاح ماده نیز چنین بیان می‌کنند: «امام، وارث کسی است که وارثی ندارد. لذا امام مسلمین در چنین مواقعی، مال الارث به جا مانده را به هر صورتی که مصلحت بداند، مورد استفاده قرار می‌دهد. از این رو، مقید نمودن امام (ولی فقیه) در این مصوبه، به مورد استفاده عمومی قرار دادن حقوق مادی پدیدآورنده اثر، خلاف شرع است». قدر متیقن این است که فقهای شورای نگهبان در حکم انفال بودن حق مؤلف بدون وارث اتفاق نظر دارند. از این رویه این گونه درمی‌یابیم که در دیگر موارد مشابه هم ممکن نیست که فقهای شورای نگهبان چنین نظری را بیان کنند.

۲. ثروت عمومی ناملموس حکم‌ناپذیر

تمام سعی این مقاله تا کنون در شرح و بسط مطالب مقدمه‌ای بر تبیین عنوان حاضر است؛ ثروت‌های عمومی که ربطی با نوع حاکمیت مستقر ندارند. برای مثال، نام خلیج فارس بر آبراه‌های در جنوب ایران ممکن است از منظر اجتماعی یا شخصیت بین‌المللی ارزشمند باشد، اما

در نگاه کوتاه‌نظرانه، از منظر حقوق بین‌الملل، تغییر فرضی این نام در نقشه‌های بین‌المللی بر قلمرو سرزمینی ایران تأثیری ندارد. چنان‌چه به سرمایه‌های اجتماعی به عنوان ثروت عمومی ناملموس نگاه کنیم، دیگر به راحتی از منظر حقوق عمومی نمی‌توانیم در مقابل چنین تجاوزی به سرمایه اجتماعی ایرانیان ساکت بمانیم. چیزی که در سکوت به این تجاوز به یغما می‌رود، ثروت عمومی ناملموس ملت ایران است.

هدف از تنظیم این مقاله، نخست، شناسایی چنین ثروت‌هایی از منظر حقوق عمومی است و در وهله ثانی، مطالبه پاسخ‌گویی حکمران در صیانت از چنین ثروت‌هایی. از این دست ثروت‌های ناملموس که به شناسایی و مطالبه‌گری احتیاج دارد، کم نیست. برای مثال، ارزش پول ملی یا اعتبار بین‌المللی گذرنامه یا شاخص کیفیت زندگی، قطعات کوچکی از پازل ثروت عمومی ناملموس است. در حقوق جزا و مبحث رشاء یا ترک فعل منجر به تضییع حقوق دولتی به این‌که رشوه ممکن است ثروت ناملموس باشد یا اهمال مأمور دولتی ممکن است ثروت عمومی ناملموس یک کشور را تضییع کند، هیچ اشاره‌ای نشده است. تاکنون تمام ثروت‌های معرفی‌شده در این مقاله اعم از ملموس یا ناملموس، عامل انسانی نداشتند و به نحوی بالاصاله یا حکماً تصرف‌پذیر بوده‌اند، اما سرمایه‌های اجتماعی و انسانی به عنوان ثروت عمومی ناملموس که ارزشمندترین بخش ثروت عمومی هر کشور را تشکیل می‌دهد و در مراتب بعد آورده می‌شود، با آن‌چه تاکنون بررسی شد، تفاوت اساسی دارد.

۳. مصادیقی از ثروت عمومی ناملموس

الف) سرمایه‌های اجتماعی^۱

در پیشینه تعریف حقوقی ملت با دو نظریه آلمانی و فرانسوی برخورد می‌کنیم که یکی به نظریه سببی و دیگری به عامل ارادی توجه دارد. بوردیو می‌گوید: «سرمایه اجتماعی به گروهی از افراد این امکان را می‌دهد تا برای دستیابی به یک هدف یا اهداف مشترک، به طور مؤثر کار کنند. به جامعه یا سازمان مانند یک شرکت سهامی یا یک سازمان غیرانتفاعی، این اجازه را می‌دهد که به طور کلی، از طریق اعتماد و هویت مشترک، هنجارها، ارزش‌ها و روابط متقابل با هم کار کنند. به بیان ساده، سرمایه اجتماعی از طریق روابط اجتماعی به کل جامعه سود می‌رساند.» به نظر می‌رسد که نظریه بوردیو از نظریه شخصی ملت (نظریه فرانسوی) تبعیت می‌کند. به استناد نظریه فرانسوی که موریس هوریو از آن به «طرز تفکر و روحیه» نام می‌برد، از سرمایه اجتماعی وابسته به وقایعی هم‌چون جنگ و مصایب مشترک یا منافع مشترک اقتصادی، سرزمینی، احساسات ملی، وابستگی‌های معنوی و ساختارهای فرهنگی می‌توان اشاره کرد.^۲

1-Social capital.

۲. هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی، تهران: میزان، ۱۳۹۲، ص ۷۸.

پیر بوردیو، سرمایه اجتماعی را به شکل زیر تعریف می‌کند: «سرمایه اجتماعی، مجموعه منابع واقعی یا بالقوه است که حاصل شبکه‌ای بادوام از روابط کمابیش نهادینه‌شده آشنایی و شناخت متقابل یا به عبارت دیگر، با عضویت در گروه است؛ شبکه‌ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می‌کند و آنان را مستحق اعتبار می‌سازد»^۱. این تعریف از سرمایه اجتماعی دلالت بر این دارد که سرمایه اجتماعی دو جزء سازنده دارد: تعداد شبکه‌های افراد و میزان سرمایه که دیگر بخش‌های شبکه دارد و افراد به این سرمایه دسترسی دارند. بوردیو بر این باور بود که سرمایه اجتماعی، یک دارایی برای افراد ثروتمند محسوب می‌شود که به واسطه آن، برتری خود را بر طبقات دیگر در جامعه حفظ می‌کنند.^۲ در دید وسیع‌تر، سرمایه اجتماعی، دارایی ناملموس یک کشور است. بهترین راه ارزیابی عملکرد دولت‌ها در مورد بهره‌برداری از سرمایه اجتماعی، بسط، ارتقای جایگاه و توان‌مندسازی نهادهای مدنی است. سرمایه اجتماعی بر اساس این ایده شکل گرفته است که رفتار همکارانه‌تر می‌تواند فعالیت‌های اقتصادی را بهبود بخشد و رفاه را افزایش دهد. در این صورت، ارزشمندی نام خلیج فارس زمانی آشکار می‌شود که به عنوان مؤلفه‌ای در اجماع‌سازی، اجتماع ایرانیان سبب پیوند ایرانیان با یکدیگر و افزایش همکاری مؤثرتر و ارزشمندتر در اعتلای نام و جایگاه ایران شود.

ب) سرمایه‌های انسانی^۳

سرمایه انسانی به داراییها و ویژگیهای ناملموس اشاره دارد. در این راستا، «بکر» بین سرمایه انسانی عام و خاص تفاوت قائل شد و گفت که سرمایه انسانی خاص، آموزش یا تعلیم به سود یک شرکت است و سرمایه انسانی عام، آموزش یا کیفیتی که در هر شرکتی به نفع فرد است.^۴

آدام اسمیت در مقدمه کتاب معروف خود، «تحقیقی پیرامون ماهیت و اسباب ثروت ملل» درباره سرمایه ناشی از فعالیت نیروی کار و لزوم مدیریت درست آن سخن می‌گوید. این ضرورت هم‌چنان و تا زمان حال باقی است. به گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۱۴،

۱. احمدی، سید علی‌اکبر و حوریه فیض‌آبادی، «بررسی ارتقای سرمایه بهبود عملکرد سازمان (نمونه موردی: سازمان‌های ستادی شهرداری تهران)»، فصل‌نامه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۳۹۰، دوره سوم، شماره ۶، صص ۳۵-۵۴.

۲. فیلد، جان، سرمایه اجتماعی، ترجمه: غلام‌رضا غفاری و حسین رضائی، تهران: کویر، ۱۳۸۶.

3-Human capital

4-Becker, B. E., Huselid, M. A., & Ulrich, D., The HR-1 Boston, Scorecard: linking people, strategy and performance, Massachusetts: Harvard Business School Press, 2001

ارزش سرمایه انسانی، ۶۴ درصد از ارزش کل ثروت جهان است. با این وصف، سرمایه انسانی، ارزشمندترین بخش ثروت عمومی است. یکی از عوامل کاهش سرمایه انسانی نیز پیری نیروی کار است.^۱

بانک جهانی، اولین بار مبنای محاسباتی و اندازه‌گیری سرمایه انسانی در ثروت جامعه را بر مبنای داده‌های دوره‌های زمانی بررسی می‌کند و دو روش برای اندازه‌گیری سهم سرمایه انسانی از ثروت کل ارائه می‌دهد:

روش اول، اندازه‌گیری هزینه‌های صورت‌پذیرفته برای توسعه منابع انسانی است، خصوصاً مخارج عمومی که برای آموزش صورت گرفته است. این روش چندان دقیق نیست؛ یعنی اطلاعات افرادی را در نظر نمی‌گیرد که در سال گذشته، به هر علتی از چرخه کار خارج شده‌اند. همچنین سرمایه‌گذاری بخش خصوصی برای آموزش سرمایه انسانی در این روش ارزیابی نمی‌شود.

روش دوم، بنا به تعریف ارزش تنزیل شده درآمد نیروی کار یک کشور در سال‌های آتی است. به عبارت دیگر، ثروت، سرمایه انسانی یک دارایی است که جریان سود مستمری را در آینده ایجاد خواهد کرد. با این تعریف، به نوع نیروی کار و درآمد هر گروه از جمله جنسیت، سن، سلامتی، آموزش و دیگر مؤلفه‌های وابسته به مسائل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هر کشور نیاز داریم تا بتوانیم برآوردی نسبتاً درست از ارزش سرمایه انسانی آن کشور داشته باشیم.^۲

ج) میراث فرهنگی ناملموس

میراث فرهنگی، میراثی است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و به نوعی، شیوه زندگی ملتی را شکل می‌دهد. بنابراین، می‌توان از جنبه‌های مختلف، میراث فرهنگی یک ملت را تعریف کرد که آداب و رسوم، سنت‌ها، زبان‌ها، ارزش‌ها، مکان‌ها و اشیا از آن جمله است. نکته بسیار مهم در بحث میراث فرهنگی و در راستای این مقاله، توجه به دو نوع میراث فرهنگی یعنی «ملموس و ناملموس» است.

میراث ناملموس فرهنگی آن گونه که یونسکو تعریف می‌کند، ثروت فکری غیر فیزیکی است، مانند فولکلور، آداب و رسوم، باورها، سنت‌ها، دانش و زبان. برای مثال و در راستای میراث فرهنگی ناملموس، برخی از نمونه‌های فهرست یونسکو عبارتند از: روز بومی مردگان در مکزیک، موسیقی و رقص تانگو از آرژانتین و اروگوئه، فلامنکو از اسپانیا و سنت ساخت کیمچی در کره. در مقایسه با میراث ملموس، میراث فرهنگی ناملموس بسیار متنوع‌تر است

1-Amendola, A., Di Serio, M., Fragetta, M. and Melina, G., "The Euro-Area Government Spending Multiplier at the Effective Lower Bound", European Economic Review, 2020, pp.10, 34 and 80

۲. موسی‌زاده و همکاران، پیشین.

و می‌تواند تقریباً هر چیزی را در بر بگیرد که سنتی و دارای ارتباط فرهنگی باشد؛ چون میراث ناملموس فرهنگی بر خلاف نوع ملموس مثل ساختمان‌ها و مصنوعات، زنده است، مانند سنت‌ها، مهارت‌ها و آداب و رسوم که جوامع اعمال می‌کنند و موضوعی است که همه می‌توانند آن را تجربه کنند. بنابراین، میراث ناملموس فرهنگی، زنده و پویاست. در راستای این گفته می‌توان به کلمات گفتاری شعر و داستان و صنایع دستی استناد کرد که سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.^۱

در راستای اهمیت این میراث و لزوم حفاظت از آن‌ها، کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس^۲ در نشست سال ۲۰۰۳ یونسکو در پاریس به تصویب رسید. این کنوانسیون از کشورهای عضو می‌خواهد از طریق برنامه‌های آموزشی و به رسمیت شناختن این میراث در ارتقای این میراث تلاش کنند.^۳

همان گونه که ملاحظه می‌شود، میراث فرهنگی ناملموس، فرد اجزای ثروت عمومی ناملموس است که دولت‌ها تنها به عنوان یک نهاد دبیرخانه، وظیفه ثبت این میراث را دارند، اما امکان تملک و حتی اداره این گونه ثروت‌ها را ندارند. گاهی مصادیقی از این میراث به دلایل مختلفی با ارزش‌های نظام حاکم در تضاد است، اما دولت‌ها، قادر به حذف و نادیده انگاشتن این ثروت‌ها نیستند. تنها با برخوردهای مقطعی ممکن است مدتی این میراث به محاق برود و با تغییر در ارزش‌های نظام مستقر، این میراث که در طول سالیان جزء لاینفک فرهنگ یک کشور بوده است، دوباره جایگاه واقعی خود را پیدا کند. دولت‌ها با استفاده از این میراث می‌توانند با اجماع‌سازی، شرایط حکمرانی مطلوب را برای خود فراهم آورند.^۴ در این صورت، با افزایش سرمایه اجتماعی و در پی آن، افزایش بهره‌وری سرمایه انسانی، موجب افزایش ثروت عمومی یک کشور ایجاد می‌شود. نادیده گرفتن این ثروت ارزشمند نیز سبب کاهش سرمایه اجتماعی و خروج سرمایه‌های انسانی از ثروت عمومی یک کشور می‌گردد. جمع‌بندی از مصادیق ثروت عمومی ناملموس که در حکم انفال نیستند، این است که نمی‌توان در سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی و میراث ناملموس فرهنگی به عنوان بخش

1-Fiore, G., Your Career Journey: Tangible and Intangible Cultural Heritage, 2021, pp. 1-9, Retrieved from: www.gbnews.ch/your-career-journey-tangible-and-intangible-cultural-heritage

2-Convention for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage

3-UNESCO (n.d), Intangible Cultural Heritage: background and Rationale, Retrieved from: www.ich.unesco.org/en/background-01159

۴. کرمی، حامد و حمیدرضا حق‌پناهان، «رابطه حکمرانی خوب و حمایت از سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصل‌نامه قدرت نرم، ۱۴۰۰، دوره یازدهم، شماره ۱، صص ۱۳۷-۱۶۸.

مهم از ثروت عمومی کشور، از باب قیاس و با وحدت ملاک گرفتن از حقوق خصوصی در موضوع مال غیر مادی یا در فقه، در بحث انفال، احکام تصرف را بر آنها اعمال کرد. تنها روش شناخته شده در حقوق مدرن، استفاده از این ثروت‌ها برای اجماع‌سازی در ارتقای کیفیت حکمرانی مطلوب است که نتیجه این ارتقا، لازمه توسعه پایدار است که سبب بقای حکمرانی می‌شود.

نتیجه‌گیری

در مورد موانع و محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به دو مورد به صورت کلی اشاره داشت:

۱. مورد نخست، نبود پیشینه پژوهش است. بحث ثروت عمومی و مفاهیم مرتبطی نظیر منفعت عمومی و توسعه پایدار، مفاهیمی سکولار - اوماننیست است و با نظام الهیاتی جمهوری اسلامی ایران هم‌خوانی ندارد.

۲. این مطالعه براساس راهبرد پژوهش کیفی از نوع تحلیل اسناد بود. با وجود در پیش گرفتن تدبیرهای لازم برای ارزیابی اعتبار (اطمینان و باورپذیری) و نیز پایایی (قابلیت اعتماد)، یافته‌های کیفی پژوهش بر اساس اسناد موجود، در مقایسه با کار کَمّی، اعتبار عملی ندارد. با توجه به هدف اصلی این مقاله مبنی بر واکاوی مفهومی ثروت‌های عمومی، شناسایی انواع و مصادیق آن و همچنین جلب توجه اندیشمندان حقوق عمومی برای شناسایی و اداره ثروت‌های عمومی ناملموس می‌توان بیان داشت که در عصر حاضر با توجه به پیشرفت سریع تکنولوژی و وسایل ارتباطی و حتی تغییرات اقلیمی به تعریف جدیدی از انواع و مصادیق ثروت‌های عمومی نیاز است. به نظر می‌رسد اندیشمندان حقوق عمومی در بسط و ترویج دامنه ثروت عمومی باید کار مضاعفی در حوزه نظری و عملی انجام دهند. بی‌توجهی به ثروت عمومی ناملموس در محدوده شناسایی و عمل به مصالح عامه تاکنون سبب از دست رفتن منافع کشور شده است و در صورت تغلّب بیش‌تر، کشور را به ورطه بحران‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی و امنیتی خواهد کشاند.

از این رو، یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد:

۱. توجه ناکافی و بی‌مسئولیتی نسبت به سرمایه‌های انسانی به عنوان ارزشمندترین بخش ثروت عمومی، آثار مخرب و جبران‌ناپذیری بر کشور و نظام حاکم بر آن وارد می‌کند. سیل مهاجرت سرمایه انسانی برخوردار اعم از فکری، مالی و حرفه‌ای از یک سو و همکاری نکردن سرمایه انسانی کم‌برخوردار در مشارکت در امور کشور باعث اضمحلال نظام حاکم می‌شود. نبود زادآوری، تخریب محیط زیست، قانون‌گریزی و تبدیل سرمایه‌های جاری به رمزارزها و خروج آن ثروت از چرخه اقتصادی تنها بخش نمایان از خسارت‌های این کم‌توجهی است.

۲. به نظر می‌رسد با گذشت چهار دهه از تصویب اصل ۴۵ قانون اساسی، اختلاط عبارات فقهی از یک سو و عبارات‌های حقوق مدرن از سوی دیگر، مانع رسیدن به دیدگاه واحد، حتی در عالی‌ترین سطوح تقنینی شده است. با عنایت به نص قرآن و منابع معتبر

روایی و فقهی جایگاه انفال و تفسیر غالب فقهی در جانشینی ولی فقیه در عصر حاضر و مبسوط‌الید بودن وی در عمل به مصالحه عامه به نظر می‌رسد عبارت اخیر این اصل قانون اساسی در تحدید قانونی این اختیارات با موازین شرعی در تضاد باشد. هم‌چنین حکم اصل ۴۵ قانون اساسی، محدود به عمل به مصالح عامه است. این حکم چنان‌که در این مقاله بررسی شد، امکان تسری به بخش اعظم ثروت‌های عمومی را ندارد. بنابراین، از این منظر هم اصل امکان تأمین خواسته‌های ملت را ندارد.

پیشنهاد می‌شود با بازنگری در این اصل قانون اساسی به جای عبارت «در اختیار حاکم اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن عمل نماید»، این عبارت بیاید: «دولت مکلف است با هدف توسعه پایدار، منفعت عمومی را تأمین کند». در این صورت به نظر می‌رسد قانون‌گذاری در این اصل از حالت تشریفاتی خارج شود و جنبه واقعی و عینی به خود بگیرد.

فهرست منابع

۱. فارسی

الف) کتاب

۱. اسمیت، آدام، **ثروت ملل**، ترجمه: سیروس ابراهیم‌زاده، تهران: پیام، ۱۳۵۷.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، **مبسوط در ترمینولوژی حقوق**، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۶.
۳. موسوی خمینی، سید روح‌الله، **البیع (جلد ۳)**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸.
۴. موسوی خمینی، سید روح‌الله، **صحیفه امام (جلد ۱۲)**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
۵. رجبی، حسین، **نقش زمان در گسترش قلمرو انفال**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴.
۶. رجبی، حسین، **قلمرو انفال از دیدگاه امام خمینی**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
۷. فیلد، جان، **سرمایه اجتماعی**، ترجمه: غلامرضا غفاری و حسین رضائی، تهران: کویر، ۱۳۸۶.
۸. منگر، کارل، **اصول علم اقتصاد**، ترجمه: فرهاد حق‌پرست، تهران: آماره، ۱۳۹۴.
۹. ساموئلز، وارن جی. و استیون جی. مدمار، **تاریخ اندیشه اقتصادی از مارکس تا جان آر. کامنز (سده نوزدهم و بیستم)**، ترجمه: محمدحسین وقار، تهران: مرکز، ۱۳۹۷.
۱۰. هاشمی شاهرودی، سید محمود، **فرهنگ فقه (جلد ۲)**، تهران: مؤسسه دایره‌المعارف اسلامی، ۱۳۹۰.
۱۱. هاشمی، سید محمد، **حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی**، تهران: میزان، ۱۳۹۲.

ب) مقاله

۱. احمدی، سید علی‌اکبر و حوریه فیض‌آبادی، «بررسی ارتقای سرمایه بهبود عملکرد سازمان (نمونه موردی: سازمان‌های ستادی شهرداری تهران)»، فصل‌نامه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۳۹۰، دوره سوم، شماره ۶.
۲. انصاری، علی و همکاران، «توثیق اموال غیر مادی در حقوق ایران»، مطالعات

- فقه و حقوق اسلامی، ۱۳۹۱، سال چهارم، شماره ۶.
۳. حقانی، حسین، «انفال یا ثروت‌های عمومی: انواع مالکیت در اسلام و موارد آن‌ها»، فصل‌نامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، تابستان ۱۳۶۹، شماره ۳ و ۴.
۴. حقانی، حسین، «انفال یا ثروت‌های عمومی»، فصل‌نامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، ۱۳۶۸، سال اول، شماره ۱.
۵. شعبانی، احمد و همکاران، «اثر سرمایه اجتماعی بر توسعه انسانی (مطالعه کاربردی: مناطق ایران)»، فصل‌نامه علمی و پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه، ۱۳۹۲، سال هجدهم، شماره ۲.
۶. فقیهی، ابوالحسن و طاهره فیضی، «سرمایه اجتماعی: رویکردی نو در سازمان»، فصل‌نامه دانش مدیریت، ۱۳۸۵، سال نوزدهم، شماره ۷۲.
۷. کرمی، حامد و حمیدرضا حق‌پناهان، «رابطه حکمرانی خوب و حمایت از سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصل‌نامه قدرت نرم، ۱۴۰۰، دوره یازدهم، شماره ۱، صص ۱۳۷-۱۶۸.
۸. گلی شیروودی، محمدحسن و همکاران، «بررسی اموال غیر مادی در نظام حقوقی ایران»، جستارهای فقه و حقوق خصوصی، ۱۳۹۴، سال دوم، شماره ۳.
۹. محمدی، پژمان و همکاران، «ماهیت انتقال مالکیت اموال غیر مادی غیر فکری»، دوفصل‌نامه دانش و پژوهش حقوقی، ۱۳۹۱، سال اول، شماره ۱.
۱۰. مصباح یزدی، محمدتقی، «اختیارات ولی فقیه در خارج از مرزها»، فصل‌نامه حکومت اسلامی، ۱۳۷۵، شماره ۱، صص ۸۱-۸۶.
۱۱. موسی‌زاده، ایمان و همکاران، «ثروت ملل کجاست؟»، هفته‌نامه تجارت فردا، ۱۳۹۶، شماره ۲۵۸.

ج) منبع اینترنتی

۱. ابانمی، نورا، المعالجه المحاسبية للاصول الغير ملموسة فی شركات المساهمه، ۲۰۲۱:
www.independent.academia.edu/nabanmi

2-Latin Source

- 1-Abanmi, Noura, Accounting treatment of intangible assets in joint stock companies, 2021, available at:www.independent.academia.edu/nabanmi

- 2-Amendola, A., Di Serio, M., Fragetta, M. and Melina, G., “The Euro-Area Government Spending Multiplier at the Effective Lower Bound”, *European Economic Review*, 2020
- 3-Bartsch, E., Boivin, J., Fischer, S. and Hildebrand, P., *Dealing with the next downturn: From unconventional monetary policy to unprecedented policy coordination*, Macro and Market Perspectives, SUERF Policy Note, 2019
- 4-Becker, B. E., Huselid, M. A., & Ulrich, D., *The HR-1 Boston, Scorecard: linking people, strategy and performance*, Massachusetts: Harvard Business School Press, 2001
- 5-Fiore, G., *Your Career Journey: Tangible and Intangible Cultural Heritage*, 2021, Retrieved from: www.gbnews.ch/your-career-journey-tangible-and-intangible-cultural-heritage
- 6-Glenn-Marie Lange, Quentin Wodon and Kevin Carey, *The Changing Wealth of Nations*, Washington: World Bank, 2018
- 7-Lauderdale, *An Inquiry into the Nature and Origin of Public Wealth and into the Means and Causes of its Increase*, 2nd edition, Edinburgh: Archibald Constable & Co., 1819
- 8-Mill, John Stuart, *Principles of Political Economy with Some of their Applications to Social Philosophy*, Edited by: W. J. Ashley, London: Longmans, Green and Co., 1936
- 9-Pankaj, C. Pate, et al., “Strength of the association between R&D volatility and firm growth: The roles of corporate governance and tangible asset volatility”, *Journal of Business Research*, 2017, Retrieved from: www.doi.org/10.1016/j.jbusres.2017.12.033
- 10-UNESCO (n.d), *Intangible Cultural Heritage: background and Rationale*, Retrieved from: www.ich.unesco.org/en/background-01159

“Analysis of the Concept of Public Wealth in Article 45 of the Constitution from the Perspective of Intangible Public Wealth”

Hamid reza Haghpanahan*

Hamed Karami**

Mojtaba Hemati***

Abstract: The essential performance of governments, including theological or secular, is to survive in the area under its rule as a living entity, and the public wealth of each country provides the resources to meet the needs of this living entity. In today's societies, the need for justice in the areas of distribution, allocation, and elimination of discrimination is an undeniable necessity for the survival of governments. More wealth resources and their proper management or consumption will lead to the growth of sustainable government development and ensure the survival of governance. Therefore, this paper aimed to evaluate the concept of public wealth in Article 45 of the Constitution, especially intangible public wealth. The research method is descriptive-analytical and the method of data collection is documentary-legal analysis. The results indicated that the first step in managing and exploiting public wealth is to identify all types and instances of public wealth. Only the tangible aspects of public wealth have been considered in Iranian public law so far, and the intangible aspects of public wealth have been neglected due to the lack of recognition of this type of wealth in identification and management or consumption. Human capital as public and intangible wealth is the most valuable part of a country's public wealth, which has been considered by governments in macroeconomics since the beginning of the present century.

Keywords: Wealth, Public Wealth, Intangible Public Wealth, Human Capital.

*. Department of Public Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Sari Branch, Iran
hamidrezahaghpanahan@yahoo.com

** . ssistant Professor, Law Department, Shahed University, Tehran, Iran.(Corresponding Author).
hamed.karami@ut.ac.ir

***. (Assistant Professor, Faculty of Public and International Law), University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran. mhemmati1358@yahoo.com